

# جدال خونین مستأجر با صاحبخانه



**گروه حوادث/** مرد جوان که به خاطر ۳ ماه کرایه عقب افتاده با زن صاحبخانه درگیر شده و او را به قتل رسانده بود پس از دستگیری مدعی شد که ناخواسته مرتکب این قتل شده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۲۰ مرداد، زن جوانی به اداره پلیس رفت و از ناپدید شدن خواهر ۶۰ ساله‌اش خبر داد. او گفت خواهرم ثریا صاحب خانه‌ای سه طبقه در منطقه نارمک است. ما هر روز با هم صحبت می‌کردیم اما سه روزی می‌شود که هر چه با او تماس می‌گیرم تلفنش را جواب نمی‌دهد. به مقابل خانه‌اش هم رفتم اما در را باز نکرد. خواهرم به تنهایی زندگی می‌کند و طبقه دوم و سوم خانه‌اش را اجاره داده است. نگران خواهرم هستم و فکر می‌کنم بلایی سر او آمده باشد، امکان نداشت ثریا سه روز با من تماس نگیرد.

■ **کشف جسد در بیابان**  
با شکایت زن جوان تحقیقات آغاز شد و مأموران راهی خانه زن تنها شدند. آنها با هماهنگی‌های قضایی به خانه ثریا وارد شدند اما هیچ رد و اثری از زن میانسال نبود. در ورودی سالم بود و بهم ریختگی هم داخل خانه به چشم نمی‌خورد. از این رو مأموران احتمال دادند حادثه‌ای برای وی رخ داده باشد. با این فرضیه تیم تحقیق به سراغ پرونده‌های اجساد افراد ناشناس

افراد

## سرقت ۷۰۰ میلیون‌ه مرد معتاد ازخانه همسایه

**گروه حوادث/** مستأجر معتاد که بعد از سرقت ۷۰۰ میلیون تومانی از خانه همسایه‌اش کرایه‌های عقب افتاده‌اش را یک جا به صاحبخانه پرداخت کرده و حتی پیشنهاد خرید خانه را نیز داده بود با این کار سرخ دستگیری خود را به پلیس داد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چهارم تیر امسال پرونده‌ای با موضوع سرقت منزل از کلانتری ۱۳۲ نبرد به پایگاه ششم پلیس آگاهی برای رسیدگی تخصصی فرستاده شد.

شاکلی با حضور در پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران اظهار داشت، چهار ماه حدود ساعت ۹ شب خانه‌ام را واقع در بلوار ابوذر ترک کردم اما پس از بازگشت چند ساعت در ساعت ۱۲:۳۰ قصد ورود به واحد در طبقه دوم ساختمان را داشتم که متوجه شدم در از داخل قفل شده است. بلافاصله به عوامل آتش‌نشانی و پلیس ۱۱۰ اطلاع دادم که پس از بازکردن در با مشاهده بهم ریختگی خانه متوجه شدم مقداری طلا به ارزش تقریبی ۷ میلیارد ریال سرقت شده است.

سرهنگ کارآگاه «علی کنجوریان» رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران اظهار داشت: کارآگاهان این یگان برای انجام تحقیقات محلی و میدانی به محل سرقت مراجعه کردند و دربررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که هیچگونه تخریبی روی در واحد صورت نگرفته و ساختمان محل سرقت ۴ طبقه تک واحدی و فاقد دوربین مداربسته بود که منزل شاکلی در طبقه دوم ساختمان قرار داشت. در بازدید صورت گرفته مشخص شد سارق از طریق بالکن طبقه اول و با استفاده از نردبان به منزل شاکلی وارد شده و پس از سرقت، با بستن پرده اتاق خواب به لبه بالکن از خانه شاکلی خارج شده است.

این مقام انتظامی ابراز داشت: در ادامه مشخص شد مستأجر طبقه اول این ساختمان مردی معتاد است که بیکار بوده و از نظر معیشتی وضعیت نامطلوبی دارد بنابراین ظن مأموران مبنی بر سرقت توسط همسایه طبقه اول قوت گرفت.

در ادامه تحقیقات پلیسی مشخص شد که همسایه طبقه اول پس از وقوع سرقت از منزل شاکلی چند ماه اجاره عقب افتاده خود را نیز تسویه کرده است و حتی پیشنهاد خرید واحد اجاره‌ای را به صاحب ملک داده است.

رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران عنوان کرد: با جمعیت تمامی موارد کارآگاهان ششم مرداد ماه با هماهنگی‌های قضایی اولین مظنون پرونده را به پایگاه ششم احضار و متهم در همان تحقیقات اولیه به جرم ارتکابی اعتراف کرد. با توجه به اعتراف صریح متهم به سرقت از منزل شاکلی و فروش طلاهای سرقتی وی با دستور مرجع قضایی روانه زندان شد.

## اعتراف مادر به قتل دختر ۴ساله

زن آمریکایی که ۴ سال بعد از مرگ دخترش به قتل او اعتراف کرده بود به حبس ابد محکوم شد. به گزارش کرایم، این زن روز دوشنبه در دادگاه آلاباما محاکمه و از سوی قضات به حبس ابد محکوم شد.

گزارش‌های پلیس ایالتی آلاباما روشن کرد که «زودی ون کوپر» ۴ ساله در ۷ ژوئیه سال ۲۰۱۶ میلادی فوت کرد اما در تمام این مدت مادر وی خود را عذاران نشان داده و یادداشت‌هایی در اینستاگرام برایش نوشته که «ای کاش من را با خود می‌بردی و نمی‌خواهم بدون تو اینجا بمانم».

کارآگاهان پلیس اعلام کردند که مادر کودک «کوپر» با گذشت چند سال از مرگ «زودی» عذاب وجدان رهايش نکرده و به همین دلیل تصمیم به اعتراف تلخ گرفته است. او اعتراف کرده که با فشردن بالش روی صورت دختر ۴ ساله‌اش او را خفه کرده و طوری وانمود کرده که دخترش در خواب مرده است.

از سوی دیگر پزشک قانونی در سال ۲۰۱۶ میلادی نیز موفق نشد تا علت مرگ کودک را بیابد و همواره پدر و خویشاوندان «زودی» تصور می‌کردند که او به دلیل یک نارسایی تنفسی در خواب جان سپرده است.

## جنایت دلخراش در مرز مکزیک

پلیس ایالتی آمریکا تلاش برای شناسایی قاتل یک زن جوان را که جسدش در مرز مکزیک پیدا شده آغاز کرد. به گزارش دیلی استار، قربانی «فلورس لیزته» ۲۳ ساله اهل ایالت تگزاس و مادر دو کودک است او چند روز قبل برای دیدار با یکی از دوستانش به مکزیک رفته و دیگر بازنگشته بود.

گزارش‌های پلیس ایالتی تگزاس روشن کرد که جسد این زن در شرایط بسیار بدی در مرز مکزیک و آمریکا پیدا شد.

سختگوی پلیس بیان کرد که قاتل پس از تجاوز، تمامی دندان‌های قربانی را کشیده و او را با ضربه سنگ بزرگی بر سرش به قتل رسانده است.

در پی این پرونده قتل، پلیس به حالت آماده‌باش درآمده و امیدوار است با استفاده از شواهد موجود و بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته بتواند ردی از قاتل این زن جوان بیابد.

## مادر بزرگ قاتل دستگیر شد

مادر بزرگ آمریکایی پس از کشتن همسرش یک زن را که شبیه خودش بود، به قتل رساند تا با هویت وی فرار کند.

به گزارش کرایم، «لونیس» در سال ۲۰۱۸ میلادی همسر خود را با شلیک چند گلوله کشت سپس زن دیگری را که از لحاظ ظاهری شبیه به خودش بود نیز به قتل رساند سپس با استفاده از مدارک آن زن فرار کرد. با این حال از این دو جنایت برای پلیس قاش شد و این مادر بزرگ ۵۹ ساله در یک هتل شناسایی و به جرم دو قتل در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ میلادی دستگیر شد.

گزارش‌های پلیس نشان می‌دهد که متهم پس از دستگیری اعتراف کرده به دلیل اختلاف‌هایی که با همسرش داشته، مجبور به قتلش شده و دیگر توان ادامه زندگی با وی را نداشته اما همین جنایت باعث شده تا او زن بی گناه دیگری را بکشد.

# درخواست مادر برای قصاص پسرش

چرا که همسرم فریدون سال‌هاست اعتیاد دارد و هر پولی را که به دست می‌آورد خرج خرید مواد می‌کند و اگر در این مدت برادر شوهرم نبود نمی‌دانم چه بر سر من و زندگی‌مان می‌آمد. فریبرز همیشه به من می‌گفت اگر نیاز مالی داشتم به او بگویم. روز حادثه من با برادر شوهرم تماس گرفتم و از او خواستم تا اگر برایش مقدور است برای فرزندم لباس بخریم. نیم‌ساعت بعد او به دنبالم آمد و من و فریبرز و لاله دخترم به خرید رفتیم و بعد از دو ساعت به خانه برگشتیم که دیدیم فریدون با دوستش در حال مصرف مواد مخدر هستند، از دیدن این صحنه بشدت عصبانی شدم و همان موقع به شوهرم گفتم که مرا طلاق بده چون من تحمل زندگی کردن با یک مرد معتاد را ندارم. همان لحظه فریبرز وارد خانه شد و وقتی او هم صحنه مواد کشیدن برادرش را دید و متوجه شد که من ناراحتم با فریدون دعوا کرد و به او گفت که تو باید به زن و بچه‌ات برسی اما هر چه پول

به دست می‌آوری هزینه مصرف مواد مخدر می‌کنی. تو واقعاً لایق این زن و دختر نیستی اما به یکباره فریدون به آشپزخانه رفت و چاقویی را برداشت و یک ضربه به سینه برادرش زد. همان موقع فریبرز غرق در خون روی زمین افتاد. من وقتی با این صحنه مواجه شدم دیگر منتظر اورژانس نشدم و خودم او را به بیمارستان آوردم که متأسفانه فوت کرد.

پس از اظهارات سمیرا، مأموران برای بازداشت فریدون به خانه آنها رفتند که معلوم شد وی متواری شده است. بررسی‌ها برای دستگیری متهم به قتل آغاز شد اما نتیجه‌ای نداشت تا اینکه فریدون بعد از چند ماه خودش را به مأموران معرفی کرد و در همان ابتدا با پذیرش قتل برادرش عنوان کرد: من سال‌ها معتاد بودم و خانواده‌ام از این موضوع خبر نداشتند بعد از ازدواج فقط همسر سمیرا متوجه این مسأله شد که به او قول دادم ترک کنم و

نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد زن میانسال بر اثر ضرب و جرح و شکستگی جمجمه جان باخته است. دوست حیدر که موضوع را به پلیس خبر داده بود گفت: ساعتی قبل حیدره به مغازه من آمد حالش اصلاً خوب نبود، گفت که زنش مرده است بعد هم گفت که مایع سفیدکننده خورده تا خودش را بکشد من هم خیلی زود با پلیس تماس گرفتم. به دنبال بازداشت حیدر وی خیلی زود به بیمارستان منتقل شد تا تحت مداوا قرار بگیرد.

این متهم پس از بهبود نسبی به قتل زنش اعتراف کرد و گفت به علت اختلافات شدید خانوادگی همسرش را کشته است و به دنبال قتل زنش قصد خودکشی داشته که پس از انتقال به بیمارستان از مرگ نجات یافته است.

بدین ترتیب پرونده متهم برای تحقیقات بیشتر و اختیار کار آگاهان پلیس این شهرستان قرار گرفت.



گفت که لیاقت زن و بچه‌ام را ندارم. حتی برایم چاقو کشید و گفت که تو باید بمیری ولی چاقو را انداخت و من هم از شدت ناراحتی و عصبانیت و البته ترس چاقو را برداشتم و به سینه او زدم. متهم در ادامه گفت: همسرم مدتی بود که می‌گفت می‌خواهد از من جدا شود و حرف‌های برادرم هم او را تحریک می‌کرد به همین دلیل ناراحت شدم. بعد از اینکه سمیرا

مصرفم را کم کرده بودم اما هر چقدر تلاش کردم که به طور کامل آن را کنار بگذارم، نتوانستم.

چند روز قبل از حادثه یکی از پاهایم شکست و برادرم فریبرز کارهای مرا انجام می‌داد، او برادر خوبی بود. ولی از وقتی فهمید که اعتیاد دارم، مدام به من سرکوفت می‌زد و من از این موضوع ناراحت می‌شدم. او آن روز جلوی خانواده‌ام به من توهین کرد و

گفت که لیاقت زن و بچه‌ام را ندارم. حتی برایم چاقو کشید و گفت که تو باید بمیری ولی چاقو را انداخت و من هم از شدت ناراحتی و عصبانیت و البته ترس چاقو را برداشتم و به سینه او زدم. متهم در ادامه گفت: همسرم مدتی بود که می‌گفت می‌خواهد از من جدا شود و حرف‌های برادرم هم او را تحریک می‌کرد به همین دلیل ناراحت شدم. بعد از اینکه سمیرا

## گروگان گیری ۵۰ میلیونی برای خروج از کشور

**گروه حوادث/** مرد افغانستانی که برای خروج از کشور به ۵۰ میلیون تومان پول نیاز داشت تصمیم گرفت پسری که از هم ولایتی‌هایش را گروگان بگیرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز دوشنبه ۲۷ مرداد با اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک آدم ربایی در منطقه «چندار» پیگیری موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی شهرستان «ساوجبلاغ» قرار گرفت.

در تحقیقات اولیه مشخص شد که فردی ناشناس اقدام به ربودن یک نوجوان ۱۴ ساله کرده و پس از خارج شدن از استان البرز با خانواده وی تماس گرفته و درخواست مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال در قبال آزادی پسرشان کرده است.

سردار «عباسعلی محمدیان» فرمانده انتظامی استان «البرز» در تشریح این خبر گفت: کارآگاهان با راهنمایی خانواده گروگان و انجام تحقیقات گسترده در خصوص

نحوه آدم ربایی در نهایت دریافتند که آدم ربا پس از ربودن گروگان به سمت استان اصفهان حرکت کرده و در یکی از شهرستان‌های این استان مخفی شده است. بلافاصله کارآگاهان وارد عمل شده و با دریافت نیابت قضایی به استان اصفهان رفته و پس از استعلام‌های صورت گرفته مخفیگاه متهم را در حوالی شهرستان «خمینی شهر» ردیابی کردند. در ادامه کارآگاهان به محل نگهداری فرد ربوده شده اعزام و در یک عملیات غافلگیرانه ضمن آزاد کردن گروگان در کمتر از ۱۰ ساعت، آدم ربا را نیز دستگیر کردند.

فرمانده انتظامی استان البرز، با بیان اینکه متهم پس از تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شد، خاطرنشان کرد: متهم در تحقیقات تکمیلی کارآگاهان، انگیزه خود را از این آدم ربایی دریافت ۵۰ میلیون تومان پول عنوان کرد و گفت می‌خواستم بعد از دریافت این پول از کشور خارج شوم.

# مردان مسلح نقابدار در سرقت از طلافروشی

**گروه حوادث/** مرد طلافروش وقتی سارقان نقابدار مسلح را پشت ویترین مغازه‌اش دید با استفاده از سامانه مها و مخفی کردن ویترین سارقان را ناکام گذاشت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۰ صبح سه‌شنبه یک خودروی پژو ۴۰۵ نقره‌ای مقابل طلافروشی در بلوار امام خمینی (ره) باقرشهر توقف کرد؛ سه سرنشین خودروی نقره‌ای در حالی که نقاب به چهره داشتند نگاهی به اطراف انداختند سپس یکی از آنها پشت فرمان نشسته و دو مرد دیگر از خودرو پیاده شدند. یکی از آنها اسلحه کلاشینکف و دیگری تبری در دست داشت. همزمان با این ماجرا، مأموران کشت کلانتری ۱۷۵ باقرشهر، در حال گشت از بلوار امام خمینی (ره) در سمت دیگر بلوار بودند که ناگهان متوجه مردان مسلح شدند.

مرد تبر به‌دست و همدست مسلح‌اش وارد طلافروشی شدند اما در همین لحظه صاحب طلافروشی که خود را در مقابل مردان مسلح می‌دید به وسیله سامانه مها، آژیر خطر طلافروشی را به صدا در آورد و همزمان با استفاده از سامانه مخفی کردن ویترین، طلاهای داخل ویترین را به داخل گاوصندوق منتقل کرد.

سارقان که باصدای آژیر خودروی کشت پلیس در مقابل طلافروشی مواجه شده بودند و از سویی طلاها را داخل گاوصندوق می‌دیدند، ماندن را جایز ندانسته و با شلیک سه تیر هوایی اقدام به فرار کردند.

این ماجرا چند لحظه بیشتر طول نکشید و در همین هنگام یکی از مأموران از خودروی پلیس پیاده شده و با رساندن خود به سمت خودروی پژو نقره‌ای رنگ شماره پلاک خودرو را یادداشت کرد. با توجه به شلیک مردان مسلح و فاصله‌ای که خودروی پلیس با آنها داشت، متهمان بدون آنکه موفق به اجرای نقشه‌شان شوند طلافروشی را رها و اقدام به فرار کردند.

سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی تهران بزرگ با اعلام این خبر که تلاشی پلیس برای دستگیری سارقان ادامه دارد به تمامی کسبه و اصنافی که اقدام به فروش اموال گرانقیمت می‌کنند توصیه کرد حتماً از سامانه‌های مها، مه پاش و سیستم مخفی کردن ویترین استفاده کنند تا در صورت مواجه شدن با چنین حوادثی از سرقت اموالشان جلوگیری کنند.

برادرم را به بیمارستان برد، خیلی ترسیدم و با دوستم فرار کردیم. من از این می‌ترسیدم که همسر برادرم که باردار بود، درخواست قصاص کند. بعد از این ماجرا به مادرم زنگ زدم، او گفت که خودت را تسلیم کن تا بتوانیم با مذاکره موضوع را حل و فصل کنیم. از طرفی هم چون خیلی دلم برای دخترم تنگ شده بود تصمیم گرفتم خود را تسلیم کنم تا هر چه زودتر تکلیفم روشن شود.

من از اینکه برادرم را کشتم خیلی بشی مانم. من باعث شدم فرزند برادرم یتیم شود و حتی نتواند پدرش را ببیند. اما در این قضیه زرم هم مقصر است او مدام از من پیش برادرم بدگویی می‌کرد و باعث می‌شد تا برادرم مرا سرزنش کند.

بعد از اظهارات فریدون و صدور کفرخواست مادر متهم به دادسرا مراجعه کرد و گفت: پسرم منتظر به دنیا آمدن فرزندش بود اما نتوانست بچه‌اش را ببیند. این بچه حالا ۱۱ ماهه است و من از طرف خودم و نوام درخواست قصاص دارم. فریدون برادرش را کشته و باید تاوان اشتباهش را پس بدهد. پرونده با صدور کفرخواست برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران شعبه مستقر در شهریار فرستاده شد تا بزودی فریدون محاکمه شود.